

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1396/02/12



موضوع: تحقیق تکمیلی درباره شرط نهم از شرائط وضو

شرط نهم این بود که باید هر مکلفی وضو را مباشرتاً انجام بدهد و از کس دیگر کمک نگیرد. این قسمت را کامل کردیم با ادله اش، آنچه که در متن آمده بود گفته شد. و اما سید طباطبایی می فرماید: «وَأما المقدمات للأفعال فهي أقسام: أحدها: المقدمات البعيدة، كإتيان الماء أو تسخينه أو نحو ذلك، وهذه لا مانع من تصدي الغير لها».[1]

سه قسم مقدمات

مقدمات چند صورت دارد: صورت اول مقدمات بعیده است که درباره مقدمات بعیده مثال آورده اند مثل گرم کردن آب و یا آوردن و تهیه کردن آب اینها از مقدمات بعیده بود که مثال زده شده است. سید طباطبایی می فرماید: این مقدمات بعیده اشکالی ایجاد نمی کند. اگر بناء بشود که مقدمات بعیده هم از عبادت باید توسط خود مکلف انجام بگیرد یک عسر و حرج خاصی است. هر کسی برای خودش لوله کشی کند و هر کسی برای خودش آفتابه درست کند و همین طور کلّ مقدمات را خود مکلف باید انجام بدهد. این اولاً و ثانیاً در نصوص بیانیه آمده است که پیامبر در موقع وضو گرفتن مقدمات بعیده از کسان دیگر که از محضرشان بود می خواست که انجام بدهد. مثلاً صحیح زراره و بکیر «أنهما سألا أبا جعفر عن وضوء رسول الله فدعى بطست أو تور فيه ماء»[2] در این متن می بینیم که پیامبر در حال وضو از کسی خواست که تشت پر از آب را حاضر کند. حاضر کردن تشت پر از آب از مقدمات بعیده وضو است، هیچ اشکالی در صحت وضو وارد نمی کند. مقدمات بعیده جزء مسلمات است که اشکال ندارد و اختلاف و شبهه ای در این رابطه نیست بلکه مطلب مورد

تسالم و از ضروریات فقه است. و اما قسم دوم از مقدمات می فرماید: «الثانی المقدمات القریبه مثل صبّ الماء فی کفّه و فی هذه یکره مباشره الغیر» قسم دوم که عبارت است از مقدمات قریبه، مثالی که برای مقدمات قریبه گفته شده است عبارت از این است که کسی یعنی غیر از وضو گیرنده شخص دیگری آب را بردارد به کف وضو گیرنده قرار بدهد و وضو گیرنده فقط کف دستش را آماده بگیرد برای گرفتن آن آب، این مقدمات قریبه می شود. آیا مقدمات قریبه به صحت وضو ضرر وارد می کند یا اشکالی ندارد؟ متن می فرماید: کراهت دارد.

آراء صاحب نظران در مقدمات قریبه

در این رابطه طبق اسلوب بحث مان ابتداء آرای قدمات را ببینیم بعد مشهور و بعد در مرحله سوم بحث تحقیقی و تفصیلی. اما قدمات: شیخ طوسی یعنی شیخ طائفه قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «یکره أن یستعین فی الوضو من الغیر» [3] می فرماید: کمک گرفتن از کس دیگر برای وضو ساختن مکروه است. این متن بیان شیخ طوسی است و دیدیم که رأی قدمات هم همین کراهت را اعلام می کند که رأی شان هم رأی است و هم متن است و هم مستفاد از نصوص است و هم معتبر است.

نظر مشهور و صاحب جواهر

و اما مشهور: محقق حلی قدس الله نفسه الزکیه در کتاب شرائع می فرماید: «یکره أن یستعین بطهارته» [4] برای وضو گرفتن مکروه است که از کسی کمک گرفته شود. این رأی هم رأی مشهور است و دیدیم که قدمات و مشهور بر این شد که مقدمات قریبه در وضو اگر وجود داشته باشد باعث حکم به کراهت می شود.

سوال:

پاسخ: کلام فقهاء اطلاق ندارد، اطلاق در کلام معصوم است اطلاق در کلام فقهاء نیست. اگر کسی بگوید ظاهر فتاوا این است آن فهم ظاهر را باید مطرح بکند و اطلاق و مطلقات فقط در نصوص است که در مقام بیان هست. مقدمات اطلاق را که توجه بکنیم این نتیجه ثابت می شود که اطلاق مختص نص است نه کلام فقهاء. اگر احیاناً برخورید اطلاق کلام اصحاب، آن معنایش اطلاق نیست آن فهم ظهور بیان فقهاء است.

سوال:

پاسخ: معاهد اجماعات که اصلاً از اساس زمینه برای اطلاق ندارد، آن لیبیات است و در نهایت قدر متیقن باید باشد. اگر هم زمینه داشته باشد لفظ فقهاء است و بیان شان است نه خود اجماع که عمل است. و معقد اجماع یعنی آن مطلبی که مورد اجماع هست آن هم اطلاق ندارد. گاهی اطلاق با وسعت نطاق مشتبه می شود. یک مرتبه وسعت نطاق داریم و یک مرتبه اطلاق داریم. مثلاً سیره کلّ معاملات را شامل می شود، اطلاق نیست هرچند معنایش در دید ابتدائی اطلاق است. سیره که دلیل لبی است که اطلاق ندارد پس وسعت نطاق دارد. وسعت نطاق غیر از اطلاق است که از درون لفظ در می آید. آن هم معقد یا مورد هم مورد لفظ نیست آن هم از لیبیات است. و چرا مورد مخصص نمی شود؟ یکی از نکاتش این بود که مورد از لیبیات است لسان ندارد طلاقت ندارد اطلاق ندارد جزء لیبیات است. مرحله سوم بحث تحقیقی و تفصیلی: محور بحث ما در تفصیل و تحقیق جواهر است. صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه این مطلب را که عنوان می کند متن را از شرائع که می فرماید بعد اضافه می کند، می فرماید: این حکم یعنی کراهت در مدارک متعددی ذکر شده است که کتب علامه را نام می برد و کتاب شهید و غیره و می فرماید: «بل لا اجد خلافاً فیهِ» تقریباً یک درجه پایین تر از اجماع می شود. این درجه پایین تر از اجماع اشکال نکنید که اجماع که نیست، که اگر اجماع نبود یک توافقی از فقهاء به عمل آمده بود در حقیقت در سطح یک موید می تواند باشد. اگر اجماع بود که دلیل بود، اجماع که نیست در حد موید می تواند باشد. که اصرار ما این است که ادله ای که اعتبارش کامل نباشد در تلقی عموم این است که این ادله ساقط است، بلکه ادله ای که اعتبارش کامل نبود نهایتاً ساقط نیست بلکه درجه اعتبارش پایین می آید و در حد موید می شود. لذا ما گفتیم استحسان و شهرت هم در استحکام مطلوب نقش دارد. بعد از این صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: روایات و نصوصی است که از این روایات حکم را می توانیم استفاده کنیم و این نصوص از این قرار است: روایت حسن بن علی و شاء است که خود راوی معتبر است و از اصحاب امام رضا علیه السلام است. محمد بن یعقوب شیخ کلینی عن علی بن محمد بن عبدالله از مشایخ کلینی و از اجلاء و ثقات عن ابراهیم بن اسحاق الاحمر که متأسفانه این ابراهیم بن اسحاق توثیق ندارد نه توثیق خاص و نه توثیق عام بلکه دو تضعیف دارد یکی از شیخ و یکی هم از نجاشی. سند در این حد هست. از طریق رجال سند این سند قابل اعتبار نیست. عن حسن بن علی و شاء از اصحاب امام رضا و از اجلاء و ثقات «قال دخلت علی الرضا علیه السلام و بین یدیه ابریق یرید أن یتھیأ منه للصلاه فدنوت منه لاصبّ علیه فأبی ذلک فقال مه یا حسن فقلت له لم تنهانی أن اصبّ علی یدیک تکره أن اوجر» چرا من را نهی می کنی ای امام که من آب بریزم بر دستان مبارک ات، نمی خواهی که من ثواب و اجر به دست بیاورم؟ «قال توجر أنت و اوزر أنا» تو اجر به دست می آوری و برای من وزری باشد؟ «فقلت و کیف ذلک» دلیلش را پرسیدم چرا این جوری است که اگر من برای وضو گرفتن تان کمک کند برای شما درست نباشد و برای من اجری؟ «فقال اما سمعت الله عزوجل یقول فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرك بعباده ربه احدا» [5] امام استناد و استدلال کرد به آیه قرآن، نشنیده ای که خدا فرمود کسی که ایمان به خدا دارد باید کاری که می کند کارش درستی باشد و عمل صالح انجام بدهد. لذا گفته می شود اگر کسی گناه می کند اشکال در ایمانش هست. کسی که ایمان دارد که گناه نمی کند.

کسی که ایمان دارد می داند که خدا شاهد و حاکم است و ناظر است در محضر خدا که کسی گناه نمی کند. اگر کسی گناه می کند مشکل ایمان دارد. باید کسی را در عبادت شریک نسازد و خود فرد عبادت کند. بنابراین وضو یک عبادت است که تو اگر آب بریزی در محل وضو شریک شده ای در این عبادت و خلاف این آیه است که خدا می فرماید در عبادت باید کسی شریک به خود نگیرد، خودش مستقلاً و مباشرتاً عمل را انجام بدهد. از این حدیث شریف با این بیان استفاده می شود که استعانت از غیر مکروه است.^[6] ممکن است سوال بشود که متن این روایت شائبه حرمت دارد باید حرام استفاده بشود چرا مکروه گفته است؟ سرّ آن این است که: 1. خود این متن صدر و ذیل را که با هم ترکیب کنیم الزام دیده نمی شود و نصوص دیگری داریم که در ادامه می گوییم که قرینه می شود که استعانت از غیر برای وضو یعنی برای تهیه کردن مقدمات قریبه وضو مکروه است بنابراین فهم فقهاء هم از این متن این شده است که مکروه بفهمند و حرمت را از این متن نفهمیده اند که فهم فقهاء برای ما همان رأی اهل خبره است. تکمیل بحث و نصوص بعد فردا ان شاء الله.

-
- [1] العروه الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج 1، ص 178.
 [2] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج 1، ص 272، ابواب وضو، ب 15، ح 3، ط اسلامیة.
 [3] المبسوط، الشیخ الطوسی، ج 1، ص 23.
 [4] شرائع الاسلام، المحقق الحلّی، ج 1، ص 23.
 [5] وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج 1، ص 335، ابواب وضو، ب 47، ح 1، ط اسلامیة.
 [6] جواهر الکلام، الشیخ محمد حسن النجفی، ج 2، ص 343.